

# راننده تاکسی

یک چند سالی می شود  
بابای من راننده است  
خیلی خوش اخلاق است و ماه  
روی لبانش خنده است

او می شناسد خوب خوب  
هر مقصدی را توی شهر  
صد تا مسافر می برد  
با تاکسی آن سوی شهر

با دقت و با احتیاط  
این سو و آن سو می رود  
سالم به مقصد می رسد  
هر کس که با او می رود

هر وقت با او می روم  
شاگرد شوفر می شوم  
ده سال دیگر مثل او  
در کار ماهر می شوم

زهرا داوری

فاطمه صالح

